



و روبه روی هدیه‌های تهران‌ی و دیگران بازی کردند بیش از سوپرستاره‌های موفق است؛ پس این فرصت در دهه هفتاد و هشتاد به بازیگران داده می‌شد. اگر نگاهی به فیلم‌های تولیدشده، حتی فیلم‌های تجاری در آن دوره بیندازید، می‌بینید که ما چقدر بازیگر جوان داریم که در آن دهه و در آن دوران وارد سینما شدند، نقش اصلی گرفتند، موفقیت‌هایی هم داشتند اما نتوانستند تداومشان را حفظ کنند. از دهه هفتاد، پانزده الی بیست بازیگر موفق توانستند عبور کنند و برای خودشان یک کارنامه و شخصیت حرفه‌ای درست کردند. دیگران در حال حاضر یا خانه‌نشین هستند و یا در فیلم‌های ویدیویی، شبکه نمایش خانگی، مسابقه مافی‌ا، جنگ‌های دورهمی صدا و سیما و مواردی از این دست حضور دارند. هیچکدام نتوانستند تداومشان را حفظ کنند در حالی که هدیه‌های تهران‌ی توانست این کار را کند و جزو چهره‌هایی بود که سینما به دنبال او رفت. جالب است این را هم بدانید که هدیه‌های تهران‌ی به دنبال سینما رفت، سینما به دنبال او رفت. سینمای ایران به هدیه‌های تهران‌ی نیاز داشت.

از «سلطان» تا «بی همه چیز» او کماکان فعال است

حضور او در «بی همه چیز» را باید در زمان اکران فیلم و زمانی که مردم فیلم را دیدند، نقد جدی کرد چرا که نکات ریزی در بازی او و در شکل نمایش مفهوم قدرت و آمیختن آن با زنانگی وجود دارد که این به تعریف نقش بازی می‌گردد و بحث برمی‌دارد و الان زمان مطرح کردن آن نیست. من فکر می‌کنم با توجه به نمایشنامه‌ای که محل اقتباس فیلم بوده این نقش و این فیلم آنقدر قانع‌کننده بود که هدیه تهران‌ی تصمیم گرفته تا آن را بازی کند و این اتفاق خارج از عرفی نیست. یک بازیگر ممکن است چند سال فعالیت‌های اجتماعی انجام دهد و به کارهای خیریه و کارهای مطالعاتی بپردازد و بعد یک نقش سنگین بازی کند. در این سال‌ها هم ایشان همواره کار کرده و هرگز بی‌کار نبوده‌است. ممکن است آمارها، تاریخ تولید فیلم‌ها و تاریخ اکرانشان بعضی سال‌ها را خالی نشان دهد اما او هیچوقت خارج از دایره حرفه‌اش غیرفعال نبوده‌است. همواره فیلمنامه برای ایشان فرستاده شده که آن‌ها را خوانده، جلسه گذاشته‌اند و فیلم‌هایی را شروع به تمرین کرده‌اند؛ اما در سینما اینطور است که همه پروژه‌ها به نتیجه نمی‌رسد و به هر حال ایشان امسال با فیلم «بی همه چیز» حضور چشمگیرتری داشته‌است اما از نظر من هدیه تهران‌ی از فیلم «سلطان» تا به امروز بازیگر فعالی بوده و هنوز هم هست. او جایگاه خودش را می‌شناسد و هنوز جزو بهترین‌ها است. او شمایل خوبی دارد و از همه مهم‌تر اینکه بازتاب‌دهنده و ثبت‌کننده بخشی از تاریخ و جامعه ماست.

می‌شناسد و در همان محدوده پیش می‌رود. این را هم در نظر بگیرید که در سال‌های گذشته بسیاری از بازیگران بزرگ ما به دلیل اینکه تحت تاثیر این گزاره غلط بودند که بازیگر باید هزار نقش و هزار چهره باشد و تنها برای اینکه نقش‌های متفاوتی را تجربه کنند، شمایل خودشان را هم خراب کردند. نقش متفاوت خیلی آموزه خطرناکی است. هدیه تهران‌ی هم در دوره‌ای سعی کرد تا نقش‌های سخت و دور از خودش را بازی کند اما به سرعت فهمید که نباید این کار را کند. اصلاً لزومی ندارد که یک بازیگر حتماً نقش‌هایی با گریم سنگین و دور از خود را بازی کند. چه اشکال دارد که یک بازیگر و یک سوپرستار محدوده خودش را بشناسد و در همان کوک جلو برود. مثل یک سازی که بسیار خوش آهنگ و زیباست اما یک صدای مشخص و یک محدوده‌ی آوازی مشخصی از او انتظار می‌رود. برای مثال شما از یولون انتظار ندارید که صدای گیتار یا پیانو بدهد، آن ساز این صدا را دارد و برای ارکستر لازم است و فوق‌العاده خوش صدا و زیباست.

تهران‌ی تنها ستاره دوران خودش نبود، اتفاقاً آن زمان شانس مطرح شدن در سینما بسیار بیشتر از امروز بود و نقش‌های اصلی خیلی راحت‌تر از امروز به جوان‌ها داده می‌شد. سینمای ایران در نیمه‌های دهه هفتاد تا اواخر دهه هشتاد در دوران رونق اقتصادی و تولیدی خود بود. نمونه‌اش تعداد بسیار زیاد ستاره‌های جوانی که در آن دهه هر کدام چند نقش اصلی گرفتند اما امروز خانه‌نشین هستند. لیست اسم‌های مطرحی که امروزه در دهه چهل زندگی‌شان هستند اما در بیست سال گذشته نقش اصلی داشتند

از دست بدهند و احترام و اعتبار پیشین را به قیمت لایک بیشتر نداشته باشند.

از یولون انتظار صدای گیتار را نداشته باشید

هدیه‌های تهران‌ی شمایل یک زن مغرور و اصطلاحاً بوکر فیس را خوب ایفا می‌کند و به زعم من این تکرار کار اشتباهی نیست. نمی‌توانیم درباره‌ی کارهای نکرده‌ی آدم‌ها قضاوت کنیم اما در تاریخ سینما بازیگران مختلفی را با این ویژگی داریم و بسیاری از غول‌ها و بزرگان سینما کسانی هستند که همین ویژگی را دارند؛ یعنی یک نوع نقش خاص یا یک پرسونای بسیار مشخص را بازی می‌کنند و از آن دایره خارج نمی‌شوند. همه‌ی بازیگران مثل کریستن بیل، لئوناردو دی کاپریو، دنیل دی لوئیس، متیو مک کانهی، اودارد نورتون و از نسل قبلی مثل آل پاچینو و داستین هافمن و بازیگرانی از این دست نیستند که نقش‌های متعددی را بازی کنند. از خانم‌ها هم اگر بخواهیم مثال بزنیم مریل استریپ نمونه‌ی یک بازیگر هزار نقش است. اما در مقابل بازیگرانی با تنوع نقشی زیاد که کم‌دی، درام و نقش‌های اکشن و... را بازی می‌کنند بازیگرانی را هم داریم که فقط در یک شمایل خاص تبحر دارند و در اصل خودشان از این دایره خارج نمی‌شوند. برای مثال می‌توان گفت که همه گلن کلوز نیستند که انواع و اقسام نقش‌ها را بازی کنند.

ما چنین چیزی را در سینما داریم و نه تنها هیچ اشکالی ندارد بلکه در اصل یک سبک است. هدیه‌های تهران‌ی هم یک پرسونای مشخصی دارد که خیلی هوشمندانه محدوده توانایی خود و انتظار مخاطب از خودش را